بسم الله الرحمن الرحیم

آراء وحدت رویه

کاربردی، حقوقی- کیفری

تدوین: گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش

فهرست

آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق مدنی ۱۲

رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳ ..... ۱۲
رأی وحدت رویه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶ ..... ۱۳
رأی وحدت رویه شماره ۱۳۰۹ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۷ ..... ۱۳
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷ ..... ۱۵
رأی وحدت رویه شماره ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶ ..... ۱۶
رأی وحدت رویه شماره ۲۳ مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۲ ..... ۱۶
رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۴۹/۸/۸ ..... ۱۸
رأی وحدت رویه شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲ ..... ۱۹
رأی وحدت رویه شماره ۵۴ مورخ ۱۳۵۱/۱۰/۱۳ ..... ۲۰
رأی وحدت رویه شماره ۹ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۰ ..... ۲۱
رأی وحدت رویه شماره ۹۵ مورخ ۱۳۵۶/۷/۱۰ ..... ۲۳
رأی وحدت رویه شماره ۱۱۳ مورخ ۱۳۵۶/۱۱/۲۴ ..... ۲۴
رأی وحدت رویه شماره ۱۱۴ مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۳ ..... ۲۷
رأی وحدت رویه شماره ۱۲۶ مورخ ۱۳۶۳/۲/۳۱ ..... ۲۷
رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳ ..... ۲۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۱۸ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ ..... ۲۹
رأی وحدت رویه شماره ۵۲۰ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹ ..... ۳۰
رأی وحدت رویه شماره ۵۷۶ مورخ ۱۳۷۱/۷/۱۴ ..... ۳۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۰۷ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۰ ..... ۳۲
رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ ..... ۳۴
رای وحدت رویه شماره ۶۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۸/۲۰ ..... ۳۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۸ ..... ۳۶
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۸ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۲ ..... ۳۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۶ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۰ ..... ۳۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۳ ..... ۳۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۰ ..... ۴۰

آراء وحدت رویه مرتبط با قانون آیین دادرسی مدنی ۴۱

رأی وحدت رویه شماره ۱۹۹۹ مورخ ۱۳۳۲/۹/۲۵ ..... ۴۱
رأی وحدت رویه شماره ۲۱۱۱ مورخ ۱۳۳۵/۱۰/۱۰ ..... ۴۱
رأی وحدت رویه شماره ۲۴۶۷ مورخ ۱۳۳۵/۱۱/۲۸ ..... ۴۲
رأی وحدت رویه شماره ۸۰۰ مورخ ۱۳۳۶/۴/۱۱ ..... ۴۳
رأی وحدت رویه شماره ۱۵۴۲ مورخ ۱۳۳۶/۸/۸ ..... ۴۴
رأی وحدت رویه شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۹ ..... ۴۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۲ مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۱ ..... ۴۶

رأی وحدت رویه شماره ۷۱ مورخ ۱۳۵۳/۹/۴ ..... ۴۷
رأی وحدت رویه شماره ۲۴ مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۵ ..... ۴۸
رأی وحدت رویه شماره ۲۷ مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۵ ..... ۴۹
رأی وحدت رویه شماره ۹۰ مورخ ۱۳۵۳/۱۰/۴ ..... ۴۹
رأی وحدت رویه شماره ۹ مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۸ ..... ۵۱
رأی وحدت رویه ردیف ۲۸/۵۹ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۶ ..... ۵۱
رأی وحدت رویه شماره ۳۵۳۰ مورخ ۱۳۶۰/۲/۷ ..... ۵۲
رأی وحدت رویه شماره ۱۲ مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۶ ..... ۵۳
رأی وحدت رویه شماره ۱۲۶۴۶ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳۰ ..... ۵۴
رأی وحدت رویه شماره ۱۷۴۰۰ مورخ ۱۳۶۰/۷/۷ ..... ۵۵
رأی وحدت رویه شماره ۴۰ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۹ ..... ۵۷
رأی وحدت رویه شماره ۴۵ مورخ ۱۳۶۲/۲/۵ ..... ۵۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۳ مورخ ۱۳۶۲/۳/۲ ..... ۵۹
رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ ..... ۶۱
رأی وحدت رویه شماره ۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۷ ..... ۶۱
رأی وحدت‌رویه شماره ۲۲۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ ..... ۶۳
رأی وحدت رویه شماره ۲۸ مورخ ۱۳۶۴ /۹/۱۲ ..... ۶۵
رأی وحدت رویه شماره ۳۳ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۲ ..... ۶۵
رأی وحدت‌رویه شماره ۳۵ مورخ ۱۳۶۵/۹/۲۰ ..... ۶۶
رأی وحدت رویه شماره ۵۰۴ مورخ ۱۳۶۶/۲/۱۰ ..... ۶۷
رأی وحدت رویه شماره ۵۰۷ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۵ ..... ۶۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۱۲ مورخ ۱۳۶۷/۸/۲ ..... ۶۹
رأی وحدت رویه شماره ۵۳۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱ ..... ۶۹
رأی وحدت‌رویه شماره ۵۴۳ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۱۱ ..... ۷۰
رأی وحدت‌رویه شماره ۵۴۵ مورخ ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ ..... ۷۱
رأی وحدت رویه شماره ۵۵۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱ ..... ۷۲
رأی وحدت رویه شماره ۵۵۶ مورخ ۱۳۷۰/۲/۱۰ ..... ۷۴
رأی وحدت رویه شماره ۵۵۸ مورخ ۱۳۷۰/۳/۷ ..... ۷۴
رأی وحدت رویه شماره ۵۶۹ مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۰ ..... ۷۵
رأی وحدت رویه شماره ۵۷۵ مورخ ۱۳۷۱/۲/۲۹ ..... ۷۵
رأی وحدت رویه شماره ۵۷۹ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۸ ..... ۷۶
رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲ ..... ۷۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۹۹ مورخ ۱۳۷۴/۴/۱۳ ..... ۷۸
رأی وحدت رویه شماره ۶۰۲ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۶ ..... ۷۹
رأی وحدت رویه شماره ۶۰۴ مورخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ ..... ۸۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۰۵ مورخ ۱۳۷۵/۱/۱۴ ..... ۸۲

رأی وحدت رویه شماره ۶۰۹ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۷ ..... ۸۳
رأی وحدت‌رویه شماره ۶۱۲ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸ ..... ۸۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ ..... ۸۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۲۶ مورخ ۱۳۷۷/۴/۹ ..... ۸۶
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۳ مورخ ۱۳۷۸/۹/۱۶ ..... ۸۸
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۸ مورخ ۱۳۷۹/۲/۸ ..... ۹۰
رأی وحدت رویه شماره ۶۵۵ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۷ ..... ۹۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۹ ..... ۹۲
رأی وحدت رویه شماره ۶۶۲ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۹ ..... ۹۳
رأی وحدت رویه شماره ۶۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۰ ..... ۹۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۷۲ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱ ..... ۹۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳ ..... ۹۶
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۷ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۴ ..... ۹۷
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۲ ..... ۹۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۲ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲ ..... ۱۰۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۵ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱ ..... ۱۰۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱ ..... ۱۰۲
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۰ مورخ ۱۳۹۰/۳/۳ ..... ۱۰۳
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۳ ..... ۱۰۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۳ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۷ ..... ۱۰۶
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۵ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۰ ..... ۱۰۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۶ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۷ ..... ۱۰۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۳۲ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۹ ..... ۱۰۸
رأی وحدت رویه شماره ۱۲۶ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۵ ..... ۱۰۹
رأی وحدت رویه شماره ۱۵۱– ۱۵۲ مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۹ ..... ۱۱۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ ..... ۱۱۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۸ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴ ..... ۱۱۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۰ مورخ ۱۳۹۵/۵/۵ ..... ۱۱۳
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۳ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ ..... ۱۱۴
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ ..... ۱۱۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۷ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۹ ..... ۱۱۶

آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق تجارت ۱۱۷

رأی وحدت رویه شماره ۳۲۷۱ مورخ ۱۳۳۹/۱۰/۱۹ ..... ۱۱۷
رأی وحدت رویه شماره ۳۸۱۴ مورخ ۱۳۴۱/۸/۸ ..... ۱۱۸
رأی وحدت رویه شماره ۶۲۳ مورخ ۱۳۴۵/۴/۲۰ ..... ۱۲۰

رأی وحدت رویه شماره ۱۵۵ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ ..... ۱۲۱
رأی وحدت رویه شماره ۲۱۲ مورخ ۱۳۵۰/۷/۱ ..... ۱۲۳
رأی وحدت رویه شماره ۲۹۰ مورخ ۱۳۵۰/۹/۱۷ ..... ۱۲۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۲ مورخ ۱۳۵۱/۱۱/۱۱ ..... ۱۲۵
رأی وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۵۲/۳/۲۹ ..... ۱۲۶
رأی وحدت رویه شماره ۲۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۲۸ ..... ۱۲۷
رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰ ..... ۱۲۹
رأی وحدت رویه شماره ۵۶۱ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ ..... ۱۳۰
رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ ..... ۱۳۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۳ ..... ۱۳۳

آراء وحدت رویه مرتبط با قانون آیین دادرسی کیفری..... ۱۳۴

رأی وحدت رویه شماره ۲۲۸ مورخ ۱۳۴۹/۸/۲۰ ..... ۱۳۴
رأی وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ ..... ۱۳۵
رأی وحدت رویه شماره ۵۰۱ مورخ ۱۳۶۶/۱/۲۰ ..... ۱۳۶
رأی وحدت رویه شماره ۵۱۴ مورخ ۱۳۶۷/۹/۳۰ ..... ۱۳۷
رأی وحدت رویه شماره ۵۱۷ مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ ..... ۱۳۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۲۴ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹ ..... ۱۳۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۳۸ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱ ..... ۱۴۰
رأی وحدت رویه شماره ۵۳۵ مورخ ۱۳۶۹/۷/۳۰ ..... ۱۴۰
رأی وحدت رویه شماره ۵۴۱ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۴ ..... ۱۴۱
رأی وحدت رویه شماره ۵۴۹ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱ ..... ۱۴۲
رأی وحدت رویه شماره ۵۵۰ مورخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۱ ..... ۱۴۳
رأی وحدت رویه شماره ۵۶۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۸ ..... ۱۴۴
رأی وحدت رویه شماره ۵۷۱ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱ ..... ۱۴۵
رأی وحدت رویه شماره ۵۷۷ مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۱ ..... ۱۴۷
رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲ ..... ۱۴۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳ مورخ ۱۳۷۲/۷/۶ ..... ۱۴۹
رأی وحدت رویه شماره ۵۹۸ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ ..... ۱۵۰
رأی وحدت رویه شماره ۶۰۰ مورخ ۱۳۷۴/۷/۴ ..... ۱۵۰
رأی وحدت رویه شماره ۶۱۴ مورخ ۱۳۷۵/۱۱/۳۰ ..... ۱۵۲
رأی وحدت رویه شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۷۷/۲/۸ ..... ۱۵۳
رأی وحدت رویه شماره ۶۳۰ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۶ ..... ۱۵۳
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ ..... ۱۵۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۵ ..... ۱۵۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۸/۳ ..... ۱۵۶

رأی وحدت رویه شماره ۶۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ ..... ۱۵۸
رأی وحدت رویه شماره ۶۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۳/۷ ..... ۱۶۰
رأی وحدت رویه شماره ۶۶۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۳۰ ..... ۱۶۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۶۹ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۱ ..... ۱۶۲
رأی وحدت رویه شماره ۶۷۸ مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۸ ..... ۱۶۲
رأی وحدت رویه شماره ۶۸۰ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۵ ..... ۱۶۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۸۴ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۴ ..... ۱۶۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۰ مورخ ۱۳۸۵/۵/۳ ..... ۱۶۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۴ مورخ ۱۳۸۵/۸/۹ ..... ۱۶۶
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۶ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۴ ..... ۱۶۷
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۸ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۱ ..... ۱۶۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۰ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۲ ..... ۱۶۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۳ مورخ ۱۳۸۶/۵/۹ ..... ۱۷۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مورخ ۱۳۸۶/۷/۲۷ ..... ۱۷۱
رأی وحدت رویه شماره ۵۲۹ مورخ ۱۳۸۶/۸/۲ ..... ۱۷۲
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۰ ..... ۱۷۳
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۱ ..... ۱۷۴
رأی وحدت رویه شماره ۷۰۹ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱ ..... ۱۷۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۰ مورخ ۱۳۸۸/۱/۱۸ ..... ۱۷۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۵ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۴ ..... ۱۷۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۱ مورخ ۱۳۹۰/۴/۲۱ ..... ۱۷۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۴ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۴ ..... ۱۸۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۷ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱ ..... ۱۸۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۸ ..... ۱۸۲
رأی وحدت رویه شماره ۷۲۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱ ..... ۱۸۳
رأی وحدت رویه شماره ۷۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۸ ..... ۱۸۴
رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۸ ..... ۱۸۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۳۶ مورخ ۱۳۹۳/۹/۴ ..... ۱۸۶
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۵/۶ ..... ۱۸۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۳ مورخ ۱۳۹۴/۸/۵ ..... ۱۸۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ ..... ۱۹۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۶ ..... ۱۹۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۹ مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۴ ..... ۱۹۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۱ مورخ ۱۳۹۵/۵/۵ ..... ۱۹۳
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۲ مورخ ۱۳۹۵/۶/۲ ..... ۱۹۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۴ مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۵ ..... ۱۹۸

رأی وحدت رویه شماره ۷۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ ..... ۲۰۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۳ ..... ۲۰۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ ..... ۲۰۲

آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق جزا ۲۰۴
رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۸ مورخ ۱۳۳۶/۳/۳۰ ..... ۲۰۴
رأی وحدت رویه شماره ۴۶۶۸ مورخ ۱۳۳۶/۹/۷ ..... ۲۰۴
رأی وحدت رویه شماره ۴۷۱۷ مورخ ۱۳۴۴/۱۰/۲۹ ..... ۲۰۵
رأی وحدت رویه شماره ۲۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹ ..... ۲۰۵
رأی وحدت رویه شماره ۲۵ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹ ..... ۲۰۷
رأی وحدت رویه شماره ۳۵ مورخ ۱۳۶۰/۹/۱۰ ..... ۲۰۷
رأی وحدت رویه شماره ۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۷/۶ ..... ۲۰۸
رأی وحدت رویه شماره ۳۴ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۲ ..... ۲۰۹
رأی وحدت رویه شماره ۱۲ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۰ ..... ۲۱۰
رأی وحدت رویه شماره ۳۲ مورخ ۱۳۶۵/۸/۲۰ ..... ۲۱۱
رأی وحدت رویه شماره ۳۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۲ ..... ۲۱۱
رأی وحدت رویه شماره ۵۱ مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ ..... ۲۱۳
رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ ..... ۲۱۴
رأی وحدت رویه شماره ۵۲۲ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ ..... ۲۱۵
رأی وحدت رویه شماره ۵۲۵ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۹ ..... ۲۱۶
رأی وحدت رویه شماره ۵۳۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۲/۱ ..... ۲۱۶
رأی وحدت رویه شماره ۵۴۰ مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۹ ..... ۲۱۷
رأی وحدت رویه شماره ۵۸۷ مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۲۷ ..... ۲۱۸
رأی وحدت رویه شماره ۵۹۱ مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۶ ..... ۲۲۰
رأی وحدت رویه شماره ۵۹۴ مورخ ۱۳۷۳/۹/۱ ..... ۲۲۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۷ ..... ۲۲۳
رأی وحدت‌رویه شماره ۶۱۶ مورخ ۱۳۷۶/۳/۶ ..... ۲۲۴
رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ مورخ ۱۳۷۶/۸/۶ ..... ۲۲۶
رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ ..... ۲۲۷
رأی وحدت رویه به شماره ۶۲۵ مورخ ۱۳۷۷/۲/۸ ..... ۲۲۸
رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ ..... ۲۲۹
رأی وحدت رویه شماره ۶۳۸ مورخ ۱۳۷۸/۶/۹ ..... ۲۳۰
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ ..... ۲۳۱
رأی وحدت رویه شماره ۶۴۵ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ ..... ۲۳۲
رأی وحدت رویه شماره ۶۵۴ مورخ ۱۳۸۰/۷/۱۰ ..... ۲۳۳
رأی وحدت رویه شماره ۶۷۱ مورخ ۱۳۸۳/۹/۱۷ ..... ۲۳۴

رأی وحدت رویه شماره ۶۸۲ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۶ ..... ۲۳۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۸۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۳ ..... ۲۳۵
رأی وحدت رویه شماره ۶۸۵ مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۳ ..... ۲۳۶
رأی وحدت رویه شماره ۶۹۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱ ..... ۲۳۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۱۳ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ ..... ۲۳۸
رای وحدت رویه شماره ۷۱۷ مورخ ۱۳۹۰/۲/۶ ..... ۲۳۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۰ مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۸ ..... ۲۴۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ ..... ۲۴۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ ..... ۲۴۳

آراء وحدت رویه سال‌های ۹۸-۱۳۹۶ ..... ۲۴۵

رأی وحدت رویه شماره ۷۵۷ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۹ ..... ۲۴۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۳ ..... ۲۴۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ ..... ۲۴۶
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۴/۲۰ ..... ۲۴۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۱ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲ ..... ۲۴۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۲ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲ ..... ۲۴۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۸/۹ ..... ۲۴۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۴ مورخ ۱۳۹۶/۸/۹ ..... ۲۴۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۵ مورخ ۱۳۹۶/۸/۳۰ ..... ۲۵۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۶ مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ ..... ۲۵۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۷ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ ..... ۲۵۱
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۸ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ ..... ۲۵۲
رأی وحدت رویه شماره ۷۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ ..... ۲۵۳
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ ..... ۲۵۴
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۱ مورخ ۱۳۹۷/۵/۱۶ ..... ۲۵۴
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۲ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ ..... ۲۵۵
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۳ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ ..... ۲۵۶
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۴ مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۰ ..... ۲۵۶
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۵ مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۷ ..... ۲۵۷
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۶ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۰ ..... ۲۵۸
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱ ..... ۲۵۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۸ ..... ۲۵۹
رأی وحدت رویه شماره ۷۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ ..... ۲۶۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۲ ..... ۲۶۰
رأی وحدت رویه شماره ۷۸۱ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۶ ..... ۲۶۱

نظر به تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نسخ ماده ۳ اضافی به قانون آیین دادرسی کیفری و نیز ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیر ۱۳۲۸، از این پس مستند قانونی لازم‌الاجرا بودن آرای وحدت رویه ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد.

ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲- هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیأت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاه‌ها یا دادستان‌ها یا وکلای دادگستری نیز می‌توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیأت عمومی را درباره موضوع درخواست کنند. هیأت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضاء معاون تمام شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کنند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضائی و غیر آن لازم‌الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است. در صورتی که رأی، اجراء نشده یا در حال اجراء باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم‌علیه باشد، رأی هیأت عمومی نسبت به آراء مذکور قابل تسری است و مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می‌شود.

آراء وحدت رویه مرتبط با حقوق مدنی

رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۸ مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۳

موضوع:

در مواردی که اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض بر تصدیق حصر وراثت مبتنی و متوقف بر رسیدگی به موضوع نسب باشد، رسیدگی به موضوع نسب هم با همان دادگاهی است که به اعتراض رسیدگی می‌نماید.

متن رأی:

با توجه به این که صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه بخش نسبی است و ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی [**ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸)**] دادگاه بخش را در مورد اعتراض بر تصدیق انحصار وراثت مرجع رسیدگی و صدور حکم قرار داده است، بنابراین در مواردی که اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض بر تصدیق حصر وراثت، مبتنی و متوقف بر رسیدگی به موضوع نسب باشد، رسیدگی به موضوع نسب هم با همان دادگاهی است که به اعتراض رسیدگی می‌نماید.

ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی سابق (مصوب ۱۳۱۹/۴/۲)- پس از انقضاء سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در صورتی که معترض نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست‌کننده تصدیق را از برگ‌شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته تصدیقی مشعر بر وراثت و تعیین عده وراث و نسبت آنها به متوفی صادر می‌نماید و در صورت اعتراض‌دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین نموده و به معترض و درخواست‌کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و در جلسه پس از رسیدگی حکم خواهدداد و این حکم قابل پژوهش و فرجام است.

ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی (اصلاحی ۱۳۷۴/۴/۱۸)- پس از انقضای یک ماه از تاریخ نشر آگهی در صورتی که‌معترضی نبود دادگاه تمام ادله و اسناد درخواست‌کننده تصدیق را از برگ شناسنامه و گواهی گواه و غیره در نظر گرفته، تصدیقی مشعر بروراثت و تعیین تعداد وراث و نسبت آن‌ها به متوفی صادر می‌نماید ودر صورت اعتراض، دادگاه جلسه‌ای برای رسیدگی به اعتراض معین‌نموده و به معترض و درخواست‌کننده تصدیق اطلاع می‌دهد و درجلسه پس از رسیدگی حکم خواهد داد. این حکم برابر مقررات قابل تجدید نظر است.

رأی وحدت رویه شماره ۱۷۹۸ مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱۶

موضوع:

اگر معلوم نباشد متوفی دارای وارث است، دادگاه به تقاضای دادستان یا اشخاص ذی‌نفع، اقدام به تعیین مدیر ترکه می‌نماید، اعم از اینکه متوفی بازرگان یا غیربازرگان باشد.

متن رأی:

اداره ترکه طبق ماده ۱۶۲ قانون امور حسبی از امور راجع به ترکه است و به موجب ماده ۱۶۳ قانون مزبور، با دادگاه بخش آخرین اقامتگاه متوفی در ایران می‌باشد و موافق ماده ۳۲۷ آن قانون همین که معلوم نباشد متوفی دارای وارث است، دادگاه بخش به تقاضای دادستان یا اشخاص ذی‌نفع اقدام به تعیین مدیر ترکه می‌نماید، اعم از اینکه متوفی بازرگان یا غیربازرگان بوده باشد و لزوم رعایت مقررات مربوط به تصفیه امور ورشکسته در مورد اداره ترکه متوفی حسب اشعار ماده ۲۷۴ با لحاظ ماده۳۳۲ قانون مذکور مستلزم صدور حکم ورشکستگی نسبت به متوفی نخواهد بود.

رأی وحدت رویه شماره ۱۳۰۹ مورخ ۱۳۳۹/۴/۲۷

موضوع:

تقاضای ثبت اشخاص از اراضی بائر بلا مالک و موات اطراف شهر تهران ممنوع است.

متن رأی:

چون طبق ماده یک لایحه قانونی ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران مصوب ۲۵ تیرماه ۱۳۳۴ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین از تاریخ ۲۸ مرداد ماه ۱۳۳۱ قبول تقاضای ثبت اشخاص از اراضی بائر بلامالک و موات اطراف شهر تهران (واقع در حدود مذکور در آن ماده) ممنوع و طبق ماده ۲ قانون مزبور فقط دولت مکلف گردیده است نسبت به این اراضی تقاضای ثبت نموده و به عنوان سرمایه به بانک ساختمانی واگذار نماید و نظر به اینکه طبق ماده ۳ آن قانون کسانی که نسبت به این اراضی ادعائی داشته باشند پس از ثبوت در محاکم در صورتی که اراضی مزبور

به فروش رسیده و یا به موسسات مذکور در آن قانون واگذار گردیده باشد مستحق دریافت بهائی خواهند بود که بانک ساختمانی به عنوان قیمت زمین دریافت داشته و در غیر این صورت نیز بانک ساختمانی در نگاهداری زمین و پرداخت بهای قبل از مرغوبیت و یا استرداد زمین و دریافت حق تشرف مخیر می‌باشد، از این رو حکم شعبه ششم دیوان عالی کشور در این قسمت صحیح و خالی از اشکال است. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب هفتم تیرماه ۱۳۲۸ لازم الاتباع است.

ماده ۲۷ قانون مدنی- اموالی که ملک اشخاص نمی‌باشد و افراد مردم می‌توانند آن‌ها را مطابق مقررات مندرجه در این قانون و قوانین مخصوصه مربوطه به هر یک از اقسام مختلفه‌ی آن‌ها تملک کرده و یا از آن‌ها استفاده کنند مباحات نامیده می‌شود مثل اراضی موات یعنی زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آن‌ها نباشد.

مواد ۱، ۲ و ۳ لایحه ثبت اراضی موات اطراف شهر تهران:

ماده ۱- از تاریخ ۱۳۳۱/۵/۲۸ قبول تقاضای ثبت نسبت به اراضی بائر بلامالک و موات اطراف شهر تهران واقع در حدود ذیل از احدی پذیرفته‌نخواهد شد:

شرقاً و جنوباً از اضلاع خارجی خیابانهای شهباز - شوش تا شعاع شش کیلومتر و شمالاً از ضلع خارجی خیابان شاهرضا تا شعاع ۱۸ کیلومتر و غرباً ازضلع خیابان سی‌متری نظامی تا شعاع ۳۶ کیلومتر.

ماده ۲- دولت مکلف است نسبت به اراضی فوق‌الذکر اقدام به درخواست ثبت نموده و اراضی مورد تقاضای ثبت را جزو سرمایه بانک ساختمانی‌قرار دهد تا بانک مزبور طبق اساسنامه خود عمل کند.

ماده ۳- اشخاصی که نسبت به این قبیل اراضی ادعایی داشته باشند پس از ثبوت در محاکم در صورتی که اراضی تاکنون به فروش رسیده یا تقسیم‌شده و یا به مؤسسات عمومی از قبیل مساجد. مدارس. مریضخانه. و خیابان و غیره تخصیص داده شده بهایی را که بانک به عنوان قیمت زمین دریافت‌داشته به محکوم‌له می‌پردازد و در صورتی که در اراضی مورد ادعا تا این تاریخ عملیات فوق‌الذکر انجام نشده بانک ساختمانی می‌تواند زمین رانگهداشته و قیمت قبل از مرغوبیت را به محکوم‌له بپردازد و یا آن که با اخذ حق تشرف و مرغوبیتی که در اثر اقدامات بانک به وجود آمده است عین‌زمین را به محکوم‌له مسترد دارد.

تبصره- نسبت به دعاوی فوق‌الذکر ارجاع امر به داوری ممنوع است.

رأی وحدت رویه شماره ۶۹۹ مورخ ۱۳۳۴/۴/۱۷

موضوع:

-1 تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر آنکه خلافش محرز شود.

-2 تصرف به عنوان وقف قابل اثبات با شهادت شهود است.

-3 ید فعلی، حاکم بر ید سابق است.

متن رأی:

پس از قرائت رأی‌های صادره از شعبه ۴ و ۶ و استماع توضیحات آقایان رئیسان و مستشاران شعبتین نامبرده و مذاکره و بحث در اطراف مسأله روشن شد که نسبت به اصل و اساس حکم قضیه اختلاف‌نظر و رویه بین دو شعبه نبوده است و هر دو شعبه در مسائل زیر متفق می‌باشد:

۱. به طوری که طبق ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است تا خلافش ثابت شود تصرف به عنوان وقفیت نیز دلیل وقفیت است تا خلافش محرز شود.

۲. تصرف به عنوان وقف قابل اثبات با شهادت شهود است.

۳. ید فعلی، حاکم بر ید سابق است. یعنی تصرف فعلی به عنوان مالکیت را تصرف سابق وقف ولو ثابت شود از اعتبار ساقط نمی‌کند مگر در صورتی که ضمن اثبات تصرف سابق وقف محرز شود که منشأ تصرف فعلی مالکانه غصب و بدون مجوز قانونی، عدواناً عین موقوفه از تصرف وقف انتزاع شده است و در این صورت تصرف وقف معتبر است تا خلافش ثابت شود. با توافق نظر در سه اصل فوق مجال و موردی برای اختلاف نظر شعبتین باقی نبوده است تا برای رفع آن و توحید رویه موضوع طرح و اخذ رأی هیأت عمومی به عمل آید.

ماده ۳۵ قانون مدنی- تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

رأی وحدت رویه شماره ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۶

موضوع:

مستفاد از عبارت نسلاً بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیت است نه تشریك و مادام که چند نفر حتی یك نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعد نخواهد رسید.

متن رأی:

مستفاد از صرف عبارت «نسلاً بعد نسل» در مورد وقف و تولیت و وصایت ترتیب است نه تشریک؛ از این قرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقی ماندگان نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد، نوبت به نسل بعد نخواهد رسید و همچنین است در مورد عبارت «طبقتاً بعد طبقه» و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در نظایر مورد، متبع و لازم‌الاجرا است.

رأی وحدت رویه شماره ۲۳ مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۲

موضوع:

در معاملات با حق استرداد، در صورتی که مال مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده باشد، انتقال دهنده حق دریافت اجرت المثل را ندارد.

متن رأی:

در موضوع اختلاف رویه حاصل میان شعبه اول و شعبه دهم دیوان عالی کشور راجع به استحقاق یا عدم استحقاق مطالبه اجور در مدت خیار از طرف انتقال گیرنده در معامله با حق استرداد نظر به ماده ۳۴ اصلاحی قانونی ثبت مصوب مرداد ماه ۱۳۲۰ که به موجب آن اصل وجه ثمن و اجور مال مورد معامله در مدت خیار متعلق حق انتقال گیرنده شناخته شده و نظر به ماده ۷۲۲ قانون آیین‌دادرسی مدنی که به موجب آن در صورتی که مال مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده باشد، انتقال دهنده در مدت تصرف حق مطالبه اجرت المثل از گیرنده ندارد. رأی شعبه دهم نتیجتاً مورد تأیید است. این رأی طبق ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در مورد مشابه، لازم‌الاتباع است.

ماده ۷۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸- درمعاملات با حق استرداد که مورد معامله به تصرف دائن داده شده است دائن حق مطالبه خسارت تاخیر تأدیه و مدیون حق مطالبه اجرت المثل رانسبت به مدتی که موردمعامله درتصرف دائن بوده است ندارد.

ماده ۳۴ قانون ثبت (اصلاحی ۱۳۲۰/۵/۲۶)- در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ و کلیه معاملات شرطی و رهنی راجع به منقول و غیرمنقول چنانچه بدهکار در ظرف مدت مقرر از حق‌خود استفاده نکند بستانکار می‌تواند با درخواست صدور اجراییه فروش مال مورد معامله را از اداره ثبت بخواهد هر گاه بدهکار در ظرف سه ماه ازتاریخ انقضاء مدت حق استرداد نپردازد آگهی مزایده مال مورد معامله از همان مبلغی که در سند تعیین شده به علاوه اجور عقب افتاده و زیان دیرکردنسبت به اصل وجه از تاریخ انقضاء مدت معامله تا روز مزایده حقوق دیوانی و هزینه مزایده و مالیات حراج منتشر می‌شود و در روز معین از همان مبلغ‌مزایده شروع و از وجه حاصل از فروش طلب بستانکار پرداخته شده و مازاد پس از وضع حقوق دیوانی و هزینه مزایده و مالیات حراج به بدهکار داده‌می‌شود چنانچه مال مزبور خریدار نداشته باشد پس از دریافت حقوق و عوارض دولتی به خود بستانکار به همان مبلغ که آگهی شده واگذار می‌گردد. مؤسسات بانکی از این قاعده اخیر مستثنی می‌باشند و در این صورت ملک مورد معامله به هر حال به طریق مزایده باید به فروش برسد.

تبصره ۱- املاکی که مورد درخواست مزایده بوده و در تاریخ اجرای این قانون ارزیابی آنها طبق ماده ۳۴ سابق قطعی نشده مشمول این قانون خواهندبود.

تبصره ۲- در مورد معاملات مذکور در ماده ۳۳ زیان دیرکرد اصل وجه مورد معامله از تاریخ انقضاء مدت مقرر در سند تعلق خواهد گرفت - در موردسایر معاملات استقراضی تعلق زیان دیرکرد مشروط به تقدیم اظهارنامه یا دادخواست است و از تاریخ ابلاغ اظهارنامه یا تقدیم دادخواست محسوب‌می‌شود ولی به طور کلی زیان دیرکرد در صورتی تعلق می‌گیرد که وجه التزامی بین طرفین در ضمن معامله اصلی یا ضمن هر نوع قرارداد و معامله‌دیگری به طوری که التزام مزبور راجع به معامله اصلی باشد مقرر نشده و بدهکار در صورت دیرکرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تأدیه آن ملزم‌نگردیده باشد.

تبصره ۳- در معاملات استقراضی که موضوع آن مال ذمه باشد از قبیل بیع شرط روغن و امثال آن بستانکار فقط حق دارد اصل طلب خود را با وجه‌التزام (در صورتی که معین شده باشد) و یا زیان دیرکرد از تاریخ انقضاء مدت مطالبه نماید.

تبصره ۴- در صورتی که در ظرف سه ماه مهلت مذکور در ماده ۳۴ بدهکار یا بستانکار معامله خود را مستقیماً ختم نماید اداره ثبت اسناد فقط نصب‌حق اجراء را دریافت خواهد داشت.

رأی وحدت رویه شماره ۲۲۴ مورخ ۱۳۴۹/۸/۸

موضوع:

درخواست حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد سجلی، که دارنده آن را زائد و منافی با شهرت خود می‌داند، مخالف با مندرجات سند رسمی نیست و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می‌باشد.

متن رأی:

با دقت و تعمق در محتویات دو پرونده که یکی به حکم شماره ۷۹۵/۴۱ مورخ ۱۳۴۱/۳/۲۹ شعبه پنجم و دیگری به حکم شماره ۴۷۱/۴۵ مورخ ۱۳۴۵/۹/۲۹ شعبه ششم دادگاه استان مرکز منتهی گردیده چنین معلوم می‌شود که در هر دو دادخواست عنوان تقاضا این بوده است که چون برای مولی‌علیه درخواست کننده در اسناد سجلی او دو نام ذکر گردیده ولی او به یکی از این دو نام مشهور است و داشتن دو نام برای یک شخص مناسب نیست یکی از آن دو حذف شود و برای اثبات این که دارنده اسناد سجلی به نام مورد درخواست حذف شهرت ندارد بلکه فقط به نام دیگر مشهور است به شهادت شهودی که از این امر اطلاع دارند تمسک گردیده و مؤدای شهادت شهود مزبور نیز مبنی بر همین اظهار بوده و شعبه پنجم دادگاه استان در حکم خود به استناد ماده ۹۹۹ قانون مدنی مندرجات سند ولادت را با شهادت شهود قابل تغییر نداسته و بر بُطلان دعوی رأی داده ولی شعبه ششم با استناد به گواهی گواهان این درخواست را موجه دانسته و بر حذف یکی از دو نام رأی داده است گرچه استدلال شعبه ششم دادگاه استان در این مورد وجهه قانونی ندارد و متعاقب ماده ۹۹۹ قانون مدنی در ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب سال ۱۳۱۹ تمام مندرجات دفاتر و اسناد سجلی که با تشریفات مقرر در آن قانون تنظیم گردیده است از اسناد رسمی شناخته شده، ولی نظر به اینکه به حکایت جریان کار معلوم می‌شود، تقاضاکنندگان مندرجات اسناد سجلی را هنگام تنظیم آن صحیح دانسته و دعوی آنان مبنی بر مخدوش بودن آن اسناد نیست بلکه مورد درخواست آنان حذف یکی از دو نام مذکور در اسناد است که آن را زائد و منافی با شهرت دارنده اسناد مزبور می‌دانند و این ادعا مخالف با مندرجات

سند رسمی نیست تا بتوان مورد را مشمول دو ماده ۹۹۹ و ۱۳۰۹ قانون مدنی دانست درخواست مزبور موضوعاً از حدود منع آن دو ماده خارج و شهادت شهود در چنین مواردی قابل ترتیب اثر می‌باشد. این رأی به موجب ماده ۳ اضافی به قانون آیین‌دادرسی کیفری لازم الاتباع است.

ماده ۹۹۹ قانون مدنی- سندولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهارشده است سندرسمی محسوب خواهدبود.

ماده ۴۷ قانون اصلاح قانون سجل احوال مصوب ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۱۹- مندرجات دفاتر ولادت و فوت و اسنادی که بر طبق آن صادر می‌شود و تمام محتویات و امضاهای مندرجه در دفاتر اسناد رسمی معتبرخواهد بود مگر آنکه خلاف آن در دادگاه ثابت شود - سایر اسناد سجلی که بر طبق مقررات قانون با تشریفات مذکور در بالا تنظیم شده نیز اسناد رسمی‌است ولکن در مقابل اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود.

رأی وحدت رویه شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲

موضوع:

با توجه به این که شخصیت حقوقی شرکت تجارتی از مدیر آن به کلی مجزا است، اگر منافع عین مستأجره به شرکتی واگذار شود، ولو مستأجر اول مدیر شرکت باشد، مستأجر شرکت است نه مدیر آن. بنابراین انتقال به غیر تحقق یافته است.

متن رأی:

نظر به اینکه شخصیت حقوقی شرکت تجارتی از مدیر آن به کلی مجزا و امکان برکناری مدیر شرکت همیشه موجود است و همین که منافع عین مستأجره به شرکتی واگذار شده مستأجر شرکت است نه مدیر آن، بنابراین هر گاه در سند اجاره حق انتقال به غیر جزئاً یا کلاً از مستأجر سلب شده و او مورد اجاره را به شرکتی وَلو خود مدیر آن باشد واگذار نماید انتقال به غیر تحقق یافته و نظر شعبه ۳۹ دادگاه شهرستان تهران در این زمینه صحیح و مطابق با اصول و موازین قانونی است. این رأی به موجب ماده (۳) از مواد اضافه شدن به قانون آیین دادرسی کیفری برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رأی وحدت رویه شماره ۵۴ مورخ ۱۳۵۱/۱۰/۱۳

موضوع:

در صورتی که وصیت نامه مطابق قانون امور حسبی تنظیم نشود و لیکن برخی از وراث به صحت آن اقرار نمایند، اقرار کنندگان در حدود اقرار خود مُلزم به مفاد آن می‌باشند.

متن رأی:

نظر به این که از ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی که پذیرفته شدن وصیّت‌نامه عادی را مشروط به تصدیق اشخاص ذی نفع در ترکه دانسته است لزوم تأیید کلیه ورثه استفاده نمی‌شود و عدم تصدیق بعضی از وراث مانع نفوذ و اعمال وصیّت در سهم وراثی که آن را قبول کرده‌اند نمی‌باشد و ماده ۸۳۲ قانون مدنی نیز مؤید این معنی است و برطبق مواد ۱۲۷۵و ۱۲۷۸ قانون مدنی اقرار هر کس نسبت به خود آن شخص نافذ و مؤثر است و مُلزم به اقرار خود خواهد بود. رأی شعبه دهم دیوان عالی کشور که وصیّت‌نامه عادی را در سهم وراثی که آن را تصدیق کرده‌اند نافذ دانسته صحیحاً صادر شده است. این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

مواد ۸۳۲، ۱۲۷۵ و ۱۲۷۸ قانون مدنی:

ماده ۸۳۲- موصی‌له می‌تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی‌به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می‌شود.

ماده ۱۲۷۵- هرکس اقرار به حقی برای غیرکند ملزم به اقرارخودخواهدبود.

ماده ۱۲۷۸- اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم‌مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹- هر وصیتی که به ترتیب مذکور در این فصل واقع نشده باشد در مراجع رسمی پذیرفته نیست مگر اینکه اشخاص ذینفع در ترکه به‌صحت وصیت اقرار نمایند.

رأی وحدت رویه شماره ۹ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۰

موضوع:

مستأجری که با استفاده از حق واگذاری به غیر، قسمتی از مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید، بعد از انقضای مدت اجاره مالك منافع قسمتی که واگذار گردیده نیست و نمی‌تواند تخلیه یا تعدیل اجاره بهای آن را از مستأجر جدید بخواهد.

متن رأی:

با توجه به ماده اول قانون روابط مالک و مستأجر و تبصره آن و با اتخاذ ملاک از مادتین ۵ و ۲۰ قانون مزبور، مستأجری که با استفاده از حق واگذاری به غیر قسمتی از مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید دیگر بعد از انقضای مدت اجاره مالک منافع قسمتی که واگذار گردیده نیست و تصرفی هم در این قسمت برای او باقی نمانده تا بتواند تخلیه یا تعدیل اجاره بهای آن را از مستأجر جدید بخواهد. در چنین موردی رابطه حقوقی مستأجر سابق نسبت به قسمتی که واگذار گردیده قطع شده و بین مستأجر جدید و مالک رابطه استیجاری برقرار گردیده است. این رأی طبق ماده ۳ قانون اضافه شده به آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ در موارد مشابه برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

مواد ۱، ۵ و ۲۰ قانون روابط مالک و مستأجر مصوب ۱۰ خرداد ماه ۱۳۳۹-

ماده ۱- دکانها، مغازه‌ها، خانه‌ها، آپارتمان‌ها، مهمانخانه‌ها، مسافرخانه‌ها، گرمابه‌ها، کاروانسراها، محل کارخانه‌ها، محل باشگاه‌های ورزشی، گاراژها، انبارها، اتاقهای کرایه و به طور کلی هر محلی که برای پیشه و کسب یا تجارت و یا سکنی تا به حال اجاره داده شده است و یا بعداً اجازه داده می‌شود مشمول مقررات این قانون خواهد بود.

تبصره ۱- منظور از اجاره مذکوره در این ماده آن است که تصرف متصرف به عنوان اجاره یا صلح منافع یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد اعم از این که نسبت به مورد تصرف سند رسمی یا غیر رسمی تنظیم شده یا تصرف متصرف بر حسب تراضی با موجر یا نماینده قانونی او باشد.

تبصره ۲- اراضی مزروعی محصور یا غیر محصور مشمول این قانون نخواهند بود.
تبصره ۳- تصرف ناشی از معاملات رهنی و معاملات با حق استرداد تصرف به عنوان اجاره شناخته نمی‌شود.
تبصره ۴- ساختمانهایی که برای سکونت به طور فصلی برای مدتی که از شش ماه تجاوز نکند اجاره داده می‌شود مشمول این قانون نخواهد بودمشروط بر ین که فصلی بودن در اجاره‌نامه آن تصریح شده باشد.
ماده ۵- در مواردی که بین مالک و کسی که ملک را به عنوان مستأجر در تصرف دارد اجاره‌نامه‌ای تنظیم نشده و یا اگر تنظیم شده مدت آن منقضی گردیده باشد هر یک از آنان می‌تواند به وسیله اظهارنامه از طرف مقابل ظرف ده روز درخواست تنظیم اجاره‌نامه یا تجدید آن را بنماید و درصورت عدم انجام تقاضا و یا عدم موافقت در تعیین میزان اجاره و شرایط آن هر یک از آنان می‌توانند برای تنظیم اجاره‌نامه و یا تعیین اجاره‌بها با رعایت‌مقررات ماده سوم در موردی که اجاره منقضی شده باشد طبق مواد ۱۳ و ۱۴ این قانون به دادگاه مراجعه نماید و مادام که میزان اجاره‌بها از طرف دادگاه‌تعیین نشده مستأجر در آخر هر ماه منتها ظرف ده روز اجرت‌المثل را به میزان اجرت‌المسمی باید بپردازد و اگر اجاره‌نامه‌ای تنظیم نشده باشداجرت‌المثل معادل مبلغی پرداخته خواهد شد که در آخرین اجاره‌نامه رسمی بین مالک با مستأجر سابق تنظیم شده باشد که در این صورت مالک‌رونوشت اجاره‌نامه مزبور را به وسیله دادگاه به مستأجر ابلاغ خواهد نمود و در صورتی که مستأجر از تاریخ ابلاغ تا ده روز از پرداخت وجه اجاره‌خودداری نماید و یا هر یک از اقساط مال‌الاجاره را به میزان اجرت‌المسمی ظرف ده روز بعد از هر ماه نپردازد به تقاضای مالک همان دادگاه در جلسه فوق‌العاده حکم به تخلیه عین مستأجره خواهد داد و این حکم قطعی و لازم‌الاجرا است در صورتی که اجاره‌نامه‌ای وجود نداشته باشد مستأجر ملزم‌است به عنوان اجرت‌المثل مبلغی که خود تشخیص می‌دهد و متناسب با اجاره ملک مشابه می‌باشد برای هر ماه تا دهم ماه بعد در صندوق دادگستری بسپارد به هر حال پس از صدور حکم دادگاه اگر میزان تعیین شده به عنوان مال‌الاجاره بیش از مبلغ سپرده باشد و یا این که بیش از اجرت‌المثلی که‌پرداخت گردیده مستأجر ملزم است مابه‌التفاوت را از تاریخ درخواست به ضمیمه خسارت تأخیر تأدیه صدی ۱۲ در سال به مالک بپردازد و در صورت انقضاء ده روز و عدم تودیع آن به تقاضای مالک همان دادگاه حکم به تخلیه صادر می‌نماید و حکم مزبور قطعی و لازم‌الاجرا است.